خبر

«سلمان فارسی» امسال در شاهرود می‌ماند

تهیه‌کننده سریال «سلمان فارسی» ضمن اعلام ادامه مراحل تصویربرداری این سریال در شاهرود و همچنین انتخاب بازیگران جدید، از آخرین پیشرفت‌های ساخت این سریال ویژه تلویزیون گفت.

به گزارش ایسنا به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی سیما، فیلمبرداری سریال «سلمان فارسی» به کارگردانی داوود میرباقری ادامه دارد. ساخت این سریال که به زندگی و زمانه یار ایرانی پیامبر اسلام(ص) می‌پردازد، از نیمه تابستان امسال به بخش ایران باستان رسید.

طاهری با بیان اینکه فیلمبرداری فصل ایران از نیمه تابستان در شهرک سینمایی ایران (غزالی) آغاز شد، گفت: در این مرحله، فیلمبرداری سکانس‌های لوکیشن کاروانسرای مرمر تیسفونی و اتاق کار زریر انجام شد و این روزها فیلمبرداری در استان سمنان و مناطقی از شاهرود ادامه دارد.

تهیه‌کننده سریال «سلمان فارسی» با بیان اینکه گروه سازنده سریال تا پایان زمستان امسال در شاهرود خواهند ماند تا از فضای زمستانی منطقه برای پیشرفت صحنه‌های متنوع داستان استفاده ببرند، گفت: فیلمبرداری اوایل سال آینده در شهرک سینمایی ایران (غزالی) و در لوکیشن مجموعه ماربین ادامه خواهد یافت.

طاهری درباره دکور مجموعه ماربین گفت: تمام بناهای ساخته شده برای سریال «سلمان فارسی» از جمله مجموعه ماربین با پی‌ریزی مناسب، مواد و مصالح ماندگار ساخته شده تا به عنوان یادگاری ارزشمند برای آیندگان باقی بماند.

وی ساخت مجموعه ماربین را پایان یافته خواند و گفت: مراحل نازک‌کاری و تزئینات نهایی باقی مانده که تا اوایل بهار سال ۱۴۰۳ به پایان رسیده و برای فیلمبرداری آماده می‌شود.

طاهری با ابراز امیدواری برای پایان فیلمبرداری فصل ایران باستان در عرض ۱۸ ماه آینده، گفت: طبق جمع‌بندی انجام شده با سازمان یک سال و نیم آینده، مشغول فیلمبرداری فصل ایران باستان خواهیم بود و سپس فیلمبرداری فصل پایانی یعنی حجار را آغاز خواهیم کرد.

وی تاکید کرد: البته مراحل پیش تولید فصل حجاز هم اکنون با ریتم آرامی در حال انجام است تا وقفه‌ای در ساخت سریال ایجاد نشود.

طاهری درباره لوکیشن‌های فصل حجاز هم گفت: فصل حجاز در چند منطقه مختلف ساخته خواهد شد که یکی از آن‌ها شهرک سینمایی نور است.

تهیه‌کننده سریال «سلمان فارسی» همچنین درباره بازیگران جدیدی که به طرح اضافه خواهند شد، گفت: فصل ایران باستان، پربازیگرترین فصل سریال است که به مرور و با نظر کارگردان و تیم تولید، بازیگران جدید، انتخاب و مرحله به مرحله معرفی خواهند شد.

سریال «سلمان فارسی» محصول مرکز سیما فیلم سازمان صداوسیما به نویسندگی و کارگردانی داوود میرباقری و تهیه‌کنندگی حسین طاهری است که فیلمبرداری فصل ایران ساسانی آن در شهرک سینمایی ایران (غزالی) و استان سمنان ادامه دارد.

این سریال در سه فصل دوران ایران ساسانی، امپراتوری بیزانس و حجاز صدر اسلام به زندگی و زمانه یار ایرانی پیامبر اسلام(ص) می‌پردازد. با پایان فیلمبرداری فصل بیزانس، حدود پنج ماه است که فیلمبرداری فصل ایران ساسانی آن آغاز شده است. تاکنون بازیگرانی همچون فرهاد اصلانی، علیرضا شجاع نوری، داریوش فرهنگ، محمدرضا هدایتی، بهناز توکلی، احترام برومند، راموناشاه، علی دهکردی، مرحوم چنگیزجلیلوند، مهدی فقیه، محمدجواد جعفرپور، علیرضا مهران، چند بازیگر خارجی از ارمنستان، یونان، مراکش و تونس و حدود ۱۵۰۰ بازیگر تئاتری و بومی جلوی دوربین این سریال رفته اند. سریال سلمان فارسی در ۶۰ قسمت و از سال ۱۴۰۵ پخش خواهد شد.

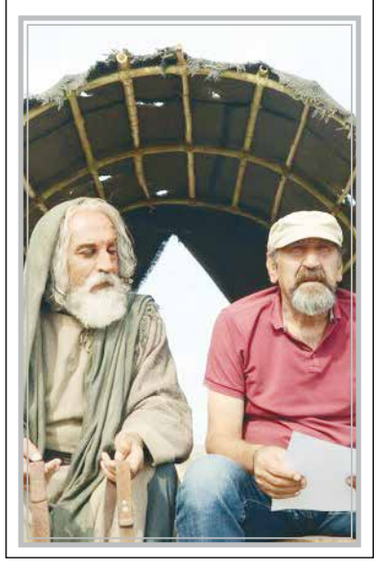

گفت‌وگو با ابراهیم اکبری دیزگاه

نوشتن در کشور ما سیاسی است

ابراهیم اکبری دیزگاه با بیان اینکه امر نوشتن و داستان‌نویسی در کشور ما امری فرقه‌ای و سیاسی است، می‌گوید: من سال‌ها برای نوشتن داستان تلاش کرده‌ام و با اهل فرهنگ گفت‌وگو کرده‌ام. اراده‌ام بر این است که مرزها شکسته شود و فرقه‌ها تعدیل شود. می‌خواهم داستان‌نویس را نه به عنوان عنصر سیاسی بلکه به مثابه شخصیتِ ادبی و فکری جا بیندازم.

ایران حتی خائنان و متنفرانِ خود را هم رها نمی‌کند. با نام یا ننگ آن‌ها را به خود می‌خواند و نگه می‌دارد

این نویسنده که به تازگی با رمان «بیروط» برگزیده جایزه ادبی «جلال آل‌احمد» شده است در گفت‌وگو با ایسنا، درباره کتاب خود گفت: «بیروط» داستان شخصی به نامِ یحیی است که در ایران مشکلی با پدرِ خود دارد و به همین دلیل می‌خواهد ایران را ترک کند و به آلمان برود؛ اما چون پول کافی برای مهاجرت ندارد مجبور می‌شود با گروهی به لبنان بروند تا مستندی بسازند که در آنجا با پدرِ دیگری آشنا می‌شود؛ در واقع او با پدر بیولوژیک خود مسأله دارد و از او فاصله می‌گیرد؛ اما با پدری به نام امام موسی صدر آشنا می‌شود و زمانی که با امام موسی صدر آشنا می‌شود، به ایران تعلق پیدا می‌کند، برمی‌گردد به ایران و سکنی می‌گزیند؛ با تذکر اینکه «پدر» است که تعلق به وطن را به فرزندان می‌آموزد.

او با بیان اینکه این محور خطی داستان است، افزود: در لابه‌لای داستان به امرِ تعلق و ایمان فکر می‌کند، به ایران فکر می‌کند؛ اینکه چرا و چگونه ایران را دوست داشته باشیم و چگونه آن را بسازیم و در آن زندگی بکنیم. درباره مسأله زمان و آینده تأملاتی دارد، به مسائلِ منطقه مانند ظهورِ داعش و حضور اسرائیل توجه دارد.

رمان مجموعه‌ای از این موضوعات است. یکی از ادعاهای اصلی کتاب این است که یک ایرانی نمی‌تواند ایران را ترک کند؛ زیرا ایران نمی‌گذارد؛ ایران سابقه و سنتی دارد که آدم‌هایش را رها نمی‌کند. آن‌ها هرجا که بروند ایران در شکل‌های گوناگون دنبالشان می‌رود، مگر این‌که آن فرد در تعلق و ایرانیّتش اختلالِ جدّی پیش بیاید. من شخصاً تصورم بر این است که ایران حتی خائنان و متنفرانِ خود را هم رها نمی‌کند. با نام یا ننگ آنها را به خود می‌خواند و نگه می‌دارد. بخشی از رمان هم در فضای الهیّات بوده و قصه‌هایی است که از قرآن و کتاب مقدس برآمده است.

اکبری دیزگاه در معرفی شخصیت رمان «بیروط» گفت: شخصیّت اصلی در برهه‌ای از زندگی‌اش دچار شکّ می‌شود و ایمانش را از دست می‌دهد. با از دست دادنِ ایمان به نوعی امنیّتش از بین می‌رود، معلق و سرگردان و البته خسته می‌شود. بعد از آن همه دنبالِ دستاویز می‌گردد، امام موسی صدر دستاویزی می‌شود که خودش را در نسبت به امر مطلق پیدا کند.

من خودِ رمان‌هایم هستم

اکبری دیزگاه در پاسخ به اینکه آیا دیدگاه‌های فلسفی خودش که دانش‌آموخته این رشته است، در رمان دیده می‌شود، گفت: بنیادِ کتاب‌هایی که نوشته‌ام، خودم هستم. من چیزی بیرون از خودم ندارم و همه شخصیت‌ها در من زیسته‌اند و روایت شده‌اند، چه این کتاب، چه «سیاگالش»، چه «برکت» و چه «طوطی و تاول»، همه به‌نوعی زندگی خودم هستند که در شکل‌هایِ مختلف روایت می‌شوند و چون دانش‌آموخته حوزه و فلسفه هستم، مقداری تاریخ و ادیان هم خوانده‌ام و همچنین قرآن را کمی جدی‌تر از دیگران خوانده‌ام، این‌ها در کتاب‌هایم نمود داشته‌اند چون در وجودِ من حضور دارند.

کتاب‌ها را دقیق نمی‌خوانند

او در پاسخ به اینکه در معرفی‌هایی که از این کتاب وجود داشته آن را در قالب ناداستان نیز دسته‌بندی کرده‌اند، و آیا برحسب نوع روایت و مطرح‌شدن مسائل منطقه در کتاب، می‌توان «بیروط» را ناداستان خواند، گفت: بیروط ناداستان نیست؛ ناداستان یعنی روایتی که بنیادش نه بر تخیّل، بلکه بر وقایع و اتفاقاتِ رخداده گذاشته باشد. به عبارتِ دیگر ناداستان عالمِ مستقل نیست بلکه محاکاتِ عالمِ دیگر است که تحقق پیدا کرده. «بیروط» فرم سفرنامه دارد؛ اما سفرنامه نیست و شاید برخی به دلیلِ فرمش آن را در قالبِ ناداستان قرار داده‌اند و صراحت و صمیمیت راوی «بیروط» آنها را به اشتباه انداخته است. به نظرم رمان خیلی حقیقی‌تر و غنی‌تر از ناداستان است. چون موطنِ رمان عالم خیال است حال آن‌که ناداستان در عالم حس استقرار دارد.

این نویسنده ادامه داد: از آنجا که اغلب کسانی که کتاب‌ها را معرفی می‌کنند، کتاب را درست و دقیق نمی‌خوانند این اشتباه‌ها پیش می‌آید. «طوطی و تاول» من را به عنوان سفرنامه معرفی می‌کنند، درحالی‌که اصلاً سفرنامه نیست؛ بلکه داستانِ بلندی است که در بستر اربعین روایت می‌شود، این اشتباهات نیز به این دلیل است که کتاب را نمی‌خوانند و یا سوادِ ادبی جامعه تنزّل پیدا کرده است و همچنین شبکه‌های اجتماعی مجالِ تأمل را از ما گرفته‌اند.

هیچ چیز نمی‌تواند ما را از ادبیات بی‌نیاز کند

اکبری دیزگاه سپس درباره ارزیابی‌اش از وضعیت ادبیات کشورمان با توجه به اینکه برخی معتقدند ارتباط نویسنده‌ها با بدنه جامعه از بین رفته است، گفت: هیچ‌چیزی نمی‌تواند ما را از «ادبیات» بی‌نیاز کند. ادبیات به معنای دقیقِ کلمه به شما می‌گوید؛ شما کی هستی؟ در کجای این جهان زندگی می‌کنی؟ این جهان چه جور جایی است؟ آینده چه ابعادی دارد؟ و تو چگونه به استقبالِ آینده باید بروی؟ ادبیات اصیل این‌ها را می‌گوید و انسان نیز مُدام نیاز دارد تا به این پرسش‌ها پاسخ دهد؛ بنابراین آدمی همیشه محتاجِ ادبیات است. اگر زمانی دچار حِرمان شویم و این پرسش‌ها دیگر پرسشمان نباشد، شاید ادبیات از موضوعیّت بیفتد و به کارمان نیاید، دیگر آن زمانِ امتناعِ تفکر، انحطاط و حتی مرگ است. هنوز فکر می‌کنم انسانی که درباره‌اش صحبت می‌کنیم، یعنی انسان ایرانی با این سابقه و کارنامه‌ای که دارد، شاید روزها، ماه‌ها یا سال‌هایی از این پرسش‌ها غفلت کند؛ اما از آن دست نمی‌شوید. هنوز اهل ذکر و تذکر حضور دارند و این پرسش‌ها را مساله اهلِ مدینه و شهر می‌کنند.

نویسنده «شاه‌کشی»، «سوره آفلین» و «بکّه» در ادامه با اشاره به وجه سرگرمی ادبیات، بیان کرد: معتقدم شاید شبکه‌های مجازی وجه سرگرمی و تفنن ادبیات را پر کنند؛ اما به مسائلِ بنیادین انسان نمی‌توانند بپردازند، زیرا ساحتِ شبکه‌های مجازی، ساحتِ تمتع و ابتذال است. البته ساحت تمتع، تفنن و ابتذال چیز بدی نیست؛ بلکه مسأله این است انسان نباید در آن ساحت غرق شود یا در آن دنبالِ معنای زندگی و پرسش‌های بنیادین بگردد.

کتاب‌هایم خیلی خواننده ندارد اما...

این نویسنده با بیان این‌که در سال‌هایی که مشغول ادبیات بوده، کتاب‌هایش خیلی خواننده ندارد، گفت: من اساساً در رویِ زمین از هیچ جنبده‌ای «توقع» ندارم. به پیروِ همین مسأله، طلب و تمنایی ندارم که افرادِ زیادی کتاب‌هایم را بخوانند. اصلًا واضح‌تر بگویم من با ابتناء به قرآن به «اکثریت» خیلی خوشبین نیستم چرا که گوشِ اکثریّت با مشهورات و مقبولات آشناست و همیشه به استقبالِ آن‌ها می‌روند. حال آن‌که ادبیات اصیل، بنایش بر آشنازدایی است و تو را وامی‌دارد مرتب چشم بشویی و جور دیگر ببینی. چون اکثریّت از چشم‌شویی گریزانند، پناه می‌برند به عادت و عادت‌ها. وانگهی چون بنده اراده‌ام بر فاصله گرفتن از مقبولات و مشهورات است پس کتاب‌هایم در توجه اکثریت قرار نخواهد گرفت.

او درباره اینکه این صحبت‌ها به این معناست که برای مخاطب خاص‌تری می‌نویسد، گفت: خطابِ من یا ایها الناس است؛ یعنی عموم. اما در میان آنها افراد معدودی هستند که کتاب‌هایم را بیشتر می‌خوانند. من نمی‌گویم برای ۱۰ یا ۱۰۰ نفر می‌نویسم. اصلاً زمانِ نوشتن، مسأله‌ام مخاطب نیست؛ منِ اکبری دیزگاه یک‌سری تأملاتی دارم در نسبت خودم با هستی، که آنها را گزارش می‌کنم و به من خیلی ربطی ندارد این گزارش را چند نفر می‌خوانند. نگاه من شهرزادی نیست که اگر قصه تعریف نکند، کشته شود، نگاهم ارفئوسی است که معتقدم بدونِ اینکه برگردم به چهره مخاطب نگاه کنم باید راهِ خودم را بروم. من دریافت‌هایِ خودم را از هستی گزارش می‌کنم به مخاطب بماهو مخاطب چندان کاری ندارم.

جایزه نه تأثیرِ چندانی بر زندگی نویسنده دارد و نه بر سرنوشت کتاب

این نویسنده درباره تأثیرگذاری جوایز ادبی نیز در سخنانی گفت: تأثیر جایزه دو ساحت دارد؛ یک ساحت بر زندگی نویسنده و دیگری تأثیر جایزه بر سرنوشت کتاب در جامعه؛ که این دو با هم رابطه دارند. من در این سال‌ها مرتب در معرض جایزه بوده‌ام. تصورم این است جایزه‌ها خیلی تأثیری ندارند، نمی‌گویم اصلاً تأثیری ندارند. مثلاً زمانی جایزه «جلال» ۱۱۰ سکّه طلا بود. بالاخره سکّه طلا هم صدا دارد، هم درخشش دارد هم قدرت و زیبایی. اما ۲۰۰ میلیون نه همچین جمال و جلالی ندارد. البته من آدمِ ناشُکری نیستم و به عنوانِ رمان‌نویس به این‌ها دل نمی‌بندم. ولی معتقدم جایزه به نویسنده اگر قدرت و جلال داد می‌تواند از او اعتبار و جمال بگیرد.

اکبری دیزگاه افزود: این را هم به عنوانِ نویسنده ایرانی قبول دارم که او هم مثلِ مردم به دلایلِ اقتصادی نمی‌تواند از کشور خارج شود. به عبارتِ دیگر «مسکین» است یعنی کسی که در مسکنِ خود سکنی گزیده و نمی‌تواند از منزلِ خود خارج شود. اگر جایزه سازوکاری داشت که منِ نویسنده بتوانم سیرِ آفاقی کنم، مردم و نویسنده‌های دیگر ملّت‌ها را ببینم و با آن‌ها گفت‌وگو کنم و ببینیم چطور به مرگ و زندگی نگاه می‌کنند و چه عاقبت و سرنوشتی برای آنها رقم خورده، شاید می‌توانستم از تأثیر حرف بزنم. از طرف دیگر تجربه نشان داده کتاب در جامعه معرفی نمی‌شود حتی به چاپ دوم هم نمی‌رسد؛ بنابراین جایزه‌ها مخصوصاً مهم‌ترین جایزه ما یعنی جایزه «جلال» نه تأثیری در سرنوشت کتاب دارد و نه تأثیری در زندگی نویسنده. البته این به معنایِ نادیده گرفتنِ زحماتِ دست‌اندرکارانِ جایزه جلال و جوایز دیگر نیست. من از تلاش‌ها، تدبیرها و برنامه‌های آنها خبر دارم و رجاء واثق دارم این جوایز به گونه‌ای قوام می‌یابد که فرهنگ ایرانی به شهادتِ آن حاضر می‌شود. در شرایطِ فعلی همه باید در قوت و اعتبارِ جایزه ملی مشارکت کنیم، شرکت در این امر به استعلایِ انسان ایرانی در منطقه و جهان می‌انجامد.

امر فرقه‌ای اثرِ ملی ندارد

این نویسنده در ادامه درباره دلایل تأثیر نداشتن جوایز با بیان اینکه دلیلی تاریخی دارد، گفت: امر نوشتن و داستان‌نویسی در کشور ما امری فرقه‌ای و سیاسی است. هر کس با فرقه و گروه خود خوش است و جز در مواردِ استثناء به پیروانِ خود جایزه می‌دهد و از این امر خوشحال است. کلُ حزب بما لدیهم فرحون. امرِ فرقه‌ای هم اثر یا تأثیر ملّی ندارد. اتفاقاً در سیاسی و فرقه‌ای شدنِ امر رمان و داستان در ایران مرحوم جلال آل‌احمد نقش عمده‌ای دارد.

اکبری دیزگاه گفت: من سال‌ها برای نوشتن داستان، تلاش کرده‌ام و با اهلِ فرهنگ گفت‌وگو کرده‌ام. اراده‌ام بر این است که مرزها شکسته شود و فرقه‌ها تعدیل شود. می‌خواهم داستان‌نویس را نه به عنوانِ عنصر سیاسی بلکه به مثابه شخصیتِ ادبی و فکری جا بیندازم. تلاش کرده‌ام به اهلِ تصمیم توجه بدهم که جایزه یا جوایزِ ملی را به کتاب و نویسنده‌ایی بدهند که به ایران و انسانِ ایرانی می‌اندیشند و برای او رؤیا و امید می‌آفرینند. با تکیه بر تراثِ معنوی و تمدنی افق می‌گشایند و یا به مسائل و منافعِ ملی توجه مجاهدانه دارند.

ادبیات ما ارتباطی با ادبیات جهان ندارد

این نویسنده در پایان گفت: دلیل دیگر این است که ادبیات داستانی ما برخلافِ اموری مثلِ فوتبال و سینما به تنه ادبیاتِ جهان وصل نیست و در خود فرورفته است، به موضوعات و مسائل انسان امروز در ابعادِ جهانی توجه ندارد، حتی اعتماد به نفس این کارها را هم ندارد. حال آنکه فوتبالیست‌ها و سینماگران مدام در معرضِ هم‌صنفان خود در جهان هستند؛ مثلاً تیم ملی همواره تلاش دارد در جام جهانی حضور داشته باشد، یا سینماگران هر سال تلاش می‌کنند در اسکار یا کن حاضر شوند. اگر نویسنده ایرانی می‌توانست در معرض نوبل یا جوایز دیگر قرار بگیرد شاید وضعیتِ مناسب‌تری پیدا می‌کرد.

«ایران اخوان ثالث» درگذشت

ایران اخوان ثالث، همسر مهدی اخوان ثالث درگذشت. پیکر او روز دوشنبه (۱۸ دی) تشییع و به خاک سپرده می‌شود.

به گزارش ایسنا، خانواده مهدی اخوان ثالث در اطلاعیه‌ای که در صفحه این شاعر فقید منتشر شده است، نوشته‌اند: «مادر گرامی‌مان، «ایران اخوان ثالث» از رنج تن رها و همنشین و یار و همراه همسرش، مهدی اخوان ثالث شد. «می‌گویند پشت هر مرد بزرگی، زنی بزرگ ایستاده است.»

در زندگی پدرمان زنده‌یاد «مهدی اخوان ثالث» مادرمان «ایران» همان زن بزرگی است که سال‌ها همراه و یاور پدر بود. چراغ خانه ما از وجود «ایران» روشن بود.

مادر «ایران اخوان ثالث» با مهری سرشار، صبری ستودنی و تدبیری خردمندانه، مایه امید، پشت‌گرمی و ستون زندگی خانواده و پدر بود.

با اینکه دست بی‌رحم گرفتاری‌ها و نامهربانی‌های روزگار گریبانش را رها نکرد و داغ فرزند (لاله) را دید، همیشه امیدوار و پرتلاش بود و برای ما و اخوان خانه را تبدیل به محیطی امن، آسوده و سرشار از مهربانی کرد و به ما آموخت نگهبانی از خانواده نیازمند از خود گذشتگی است.

برای بدرقه‌اش روز دوشنبه ۱۸ دی‌ماه ساعت ۱۰ و نیم در قطعه ۲ بهشت زهرا (در کنار لاله) گرد هم می‌آییم و پس از آن بنا به وصیتش هزینه‌های مرسوم مجالس یادبود و غیره را صرف امور خیریه خواهیم کرد.»

مهدی اخوان ثالث چهارم شهریورماه ۱۳۶۹ در تهران درگذشت و پیکرش در آرامگاه فردوسی در توس دفن شد.

اخبار

آنچه از جشنواره چهل و دوم تئاتر فجر می‌دانیم

حدود ۲ هفته تا آغاز به کار بخش صحنه‌ای و خیابانی جشنواره تئاتر فجر باقی مانده، این در حالی است که آثار چند بخش از جشنواره هنوز اعلام نشده‌اند.

به گزارش ایسنا، پیش‌تر محمد مهدی سقایان، دبیر چهل و دومین جشنواره تئاتر فجر در گفتگو با یکی از خبرگزاری‌ها خبر داد که بخش صحنه‌ای و خیابانی این دوره از جشنواره، اول بهمن ماه آغاز می‌شود اما بخش‌های دیگری همچون تئاترهای رادیویی و تلویزیونی و بخش پژوهش از ۲۶ دی ماه آغاز به کار می‌کنند.

بر اساس اخباری که از سوی اداره کل هنرهای نمایشی منتشر شده، تاکنون آثار راه یافته به بخش‌های تئاتر تلویزیونی و رادیویی ، تازه‌های تئاتر ایران و مسابقه دانشجویی معرفی شده‌اند.

اهالی تئاتر خوب می‌دانند که معمولا در جشنواره‌های تئاتری، آثار بخش بین‌الملل در آستانه برگزاری جشنواره معرفی می‌شوند. چراکه عموما در این بخش ملاحظاتی مانند صدور روادید و ... وجود دارد و تا زمانی که حضور گروه‌های خارجی به قطعیت نرسیده باشد، نمی‌توان اخباری در این زمینه منتشر کرد.

اما در این میان آنچه قابل تامل است، این است که هنوز نمایش‌های راه یافته به بخش‌های مرور و خیابانی از سوی جشنواره اعلام نشده‌اند. هرچند گروه‌های متقاضی شرکت در بخش مرور تاحدودی از وضعیت حضور خود در جشنواره مطلع هستند، اما این موضوع به صورت رسمی اعلام نشده است.

یکی از مشکلات گروه‌های متقاضی شرکت در بخش مرور این است که اعلام دیرهنگام نتایج این بخش، سبب می‌شود گروه‌ها فرصت کمتری برای تمرین و آماده‌سازی کار خود داشته باشند که سبب افت کیفی آثار شرکت‌کننده در جشنواره تئاتر فجر می‌شود. از سوی دیگر با توجه به اینکه عموم بازیگران، علاوه بر تئاتر، در رسانه‌های تصویری هم مشغول به کار هستند، شاید این تاخیر، موجب شود که کارگردان‌ها در هماهنگ کردن بازیگران نمایش‌های خود با مسائلی رو به رو بشوند و دوباره همین نکته هم سبب افت کیفی آثار می‌شود و این در حالی است که جشنواره تئاتر فجر به عنوان ویترین تئاتر کشور تلقی می‌شود و یکی از معدود فرصت‌هایی است که گروه‌های بین‌الملل می‌توانند نظاره‌گر بخشی از آثار نمایشی کشورمان باشند.

کوروش محمدخانی رئیس هیأت‌مدیرهٔ جامعه باستان‌شناسی شد

«کوروش محمدخانی» رئیس هیأت مدیرهٔ جامعه باستان‌شناسی ایران شد. بنابر اعلام روابط عمومی جامعه باستان‌شناسی ایران، اعضای هیأت مدیرهٔ این جامعه در نخستین جلسهٔ رسمی، که شامگاه جمعه ۱۵ دی ۱۴۰۲ برگزار شد، «کوروش محمدخانی» را به عنوان رئیس هیأت مدیرهٔ جامعه باستان‌شناسی ایران انتخاب کردند.

کوروش محمدخانی دارای دکتری باستان‌شناسی با تخصص آرکئوژئوفیزیک، عضو هیأت علمی گروه باستان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی و عضو جامعه بین‌المللی بررسی‌های ژئوفیزیک در باستان‌شناسی است. او سرپرست، مسئول و عضو بیش از ۱۳۰ هیأت باستان‌شناسی در ایران، سوریه، یونان، فرانسه، عراق، افغانستان و ارمنستان بوده است. از محمدخانی بیش از ۷۰ عنوان مقاله به زبان‌های فارسی، انگلیسی و فرانسه در همایش‌ها و مجلات علمی منتشر شده است. همچنین در جلسه هیأت مدیرهٔ جامعه باستان‌شناسی ایران، حامد مولایی‌کردشولی به عنوان معاون رئیس هیأت مدیره، شقایق محمدی‌نژاد به عنوان سخنگو و ابراهیم روستایی فارسی به عنوان دبیر هیأت مدیره این جامعه انتخاب‌شدند.

محمدرضا نسب‌عبداللهی نیز از سوی هیأت مدیره به عنوان مسئول روابط عمومی جامعه باستان‌شناسی ایران انتخاب شد.

کوروش محمدخانی، سپیده مازیار، شقایق محمدی‌نژاد، ابراهیم روستایی‌فارسی، محمدرضا نسب‌عبداللهی، حامد مولایی‌کردشولی و اکبر عزیزی، دی‌ماه ۱۴۰۲ از سوی اعضای جامعه باستان‌شناسی ایران به عنوان هفت عضو اصلی هفتمین دورهٔ هیأت مدیرهٔ این جامعه انتخاب شدند.

مدت زمان فعالیت هیأت مدیرهٔ هفتم، دو سال و تا دی ۱۴۰۴ خورشیدی خواهد بود.

جامعه باستان‌شناسی ایران نهادی علمی، مدنی، صنفی و غیردولتی است که سال ۱۳۸۹ با هدف پیشبرد باستان‌شناسی و صیانت از میراث فرهنگی ایران تشکیل شد و با مشارکت داوطلبانه اعضا فعالیت می‌کند. استادان، پیشکسوتان و دانشجویان باستان‌شناسی اعضای این «جامعه» را تشکیل می‌دهند.

نقطه وصل پهلوان تختی و یک نقاش در تهران

هنرمندی که تختی را به موزه بریتانیا فروخت

غلامرضا تختی بی‌شک یکی از جذاب‌ترین چهره‌های تاریخ معاصر است. این جهان پهلوانِ خوش‌نام، از زمان درگذشتش در ۱۷ دی ماه سال ۱۳۴۶ تا به امروز، موضوع آثاری در حوزه‌های مختلف فرهنگی و هنری، از شعر و سینما و هنرهای تجسمی بوده است؛ به همین سبب هر هنرمند به نوعی و از منظری، تختی را روایت کرده است. خسرو حسن‌زاده، نقاشی که مدت کوتاهی از درگذشتش می‌گذرد هم از جمله هنرمندانی است که تختی را دستمایه آثار خود قرار داده بود. او در گفت‌وگویی تختی را نقطه وصل خود با تهران و به تبع آن ایران عنوان کرده بود.

به گزارش ایسنا، جهان پهلوان تختی از مهم‌ترین چهره‌های ورزشی و تاریخ معاصر ایران است. او که به باور بسیاری نماد پهلوانی در میان جامعه ایران است، موضوع آثار طیف وسیعی از هنرمندان بوده است. به همین سبب نیز آثار خلق شده درباره این چهره نام‌آشنا محدود به چند اثر نیست.

اما یکی از آثار خلق شده که به تکریم جهان پهلوان تختی اختصاص یافته بود سال ۲۰۱۰ از سوی موزه بریتانیا خریداری شد؛ این اثر با عنوان «تختی» را خسرو حسن‌زاده (۳۰ آذر ۱۳۴۲ - ۱۱ تیر ۱۴۰۲) خلق کرده بود. «تختی» البته یکی از هفت اثر چندرسانه‌ایِ خسرو حسن‌زاده بود که به تکریم بزرگانی اختصاص داشت که در نگاه هنرمند جنبه‌ای قهرمانانه داشتند.

اثر این نقاش معاصر از تختی، با عناصری که پیش‌تر در بازارچه‌های جنوب تهران دیده می‌شد خلق شده است؛ ضرب زورخانه‌ای، صدای صلوات و «یاعلی» مرشد. خسرو حسن‌زاده از هنرمندان معاصر در آثار خود به عشق، تنهایی، انسان و مباحثی همراه با بار اجتماعی پرداخته است. او از جمله هنرمندانی است که آشکارا دغدغه مسائل اجتماعی و تعابیری از فرهنگ عامه را در آثار خود به کارگرفته است. این هنرمند اثر دیگری از تختی نیز دارد که با آن به یاد سپرده شده است.

این اثر که با تکنیک چاپ سیلک و لعابکاری روی کاشی صورت گرفته، یکی از شاخص‌ترین نمونه‌های این مجموعه است. این اثر که پرتره‌هایی از جهان پهلوان تختی را به نمایش گذاشته را می‌توان به نوعی ادای احترام به او و از سوی دیگر یادآوری اصول و روش زندگی‌اش دانست. در حقیقت «تختی» فراتر از یک نام، چهره‌ای برای یادآوری اصول اخلاقی است.

یکی از ویژگی‌های کار حسن‌زاده به کارگیری مواد و مصالح متنوعی چون کاشی و چاپ سیلک اسکرین در ابعاد وسیع بود.

به کاربردن کاشی‌های رنگی که در تضاد با ترکیب‌بندی کاشی‌های سنتی است، با رنگ‌های درخشان و تند دیزاین شده است. بعضی کارشناسان هنر تجسمی معتقدند که حسن زاده با استفاده از چهره تختی و رنگ‌ها به دنبال نمایش بطن جامعه ایرانی است که با گذشت چند دهه از مرگ تختی، ارزش‌های تازه‌ای را خلق کرده است. از همین‌رو بعضی معتقدند که این اثر هنرمند نگاهی درونی است از آنچه که در حال تغییر است.

حسن زاده در یکی از گفت‌وگوهای خود گفته بود: «من در لندن هم استودیو دارم اما مگر می‌شود در لندن نشست و تختی کشید؟ تختی متعلق به اینجاست، من وقتی در تهران هستم می‌توانم آنچه می‌خواهم را کار کنم.»

پیکر خسرو حسن‌زاده چهارشنبه (۱۴ تیر ماه) از مقابل خانه هنرمندان تشییع شد. او ـ ۱۱ تیرماه ـ بعد از یک هفته بستری شدن در بیمارستان درگذشت.

آرمان استپانیان، ابراهیم حقیقی، بهزاد شیشه گران، علی اکبر صادقی، سمیرا علیخان زاده، بهنام کامرانی، نصرت الله مسلمیان، منوچهر معتبر، نیکزاد نجومی و شهرام کریمی از دیگر هنرمندانی هستند که پیش‌تر آثاری را پیرامون تختی به عنوان موضوع اثر خلق کردند. اثر خلق شده و نمایشگاه برپا شده با موضوع «جهان پهلوان تختی» بسیار است.

بهزاد شیشه‌گران نقاش، طراح، گرافیست پیشکسوت نیز سال ۱۳۶۸ نمایشگاهی را با چهره‌هایی از غلامرضا تختی برپا کرده بود. او بیش از ۲۰۰ تابلو، از تختی خلق کرده است.

سال ۹۳ هم نمایشگاهی به همت آرش تنهایی همزمان با چهل و هفتمین سالگرد درگذشت غلامرضا تختی، با آثار ۱۴۴ هنرمند شناخته شده یا گم‌نام برای تجلیل از این چهره ملی برپا شده بود. در این نمایشگاه آثار ۱۱۴ نقاش، مجسمه ساز، تصویرگر و کاریکاتوریست معاصر ایرانی به نمایش درآمد.